

غرب از نگاه امام خمینی (ره)



ما باید سال‌های طولانی زحمت و مشقت بکشیم تا از فطرت ثانی خود متحول شویم و خود را بیابیم و روی پای خویش بایستیم و مستقل گردیم و دیگر احتیاجی به شرق و غرب نداشته باشیم و باید از همان بچه‌ها شروع کنیم.

ما باید سال‌های طولانی زحمت و مشقت بکشیم تا از فطرت ثانی خود متحول شویم و خود را بیابیم و روی پای خویش بایستیم و مستقل گردیم و دیگر احتیاجی به شرق و غرب نداشته باشیم و باید از همان بچه‌ها شروع کنیم. برای شناختن خود و زمان و مکانی که در آن قرار داریم، ناگزیر از شناخت اصول و ریشه‌های بنیادین تفکر غربی هستیم. چه اینکه در قرون اخیر بسیاری از تحولات و مسائلی که بر جامعه ما وارد شده است، حاصل تأثیر حضور غربیان و به تبع آن تأثیر تفکر و اندیشه آنها بر متفکران و حاکمان ایرانی بوده است.

حضرت امام روح... موسوی خمینی، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های تأثیرگذار در جهان و مبدع بزرگ‌ترین نهضت خودیابی و بازگشت به خویشتن برای مسلمانان، در سخنان و آراء خویش، زوایای گوناگون عالم غربی را به دقت کاویده است و حاصل این شناخت عمیق را در اختیار ارادتمندان به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم گذارده است. آنچه در پی می‌آید، نتیجه کاوش مفهوم غرب و غرب‌شناسی در بیست و دو جلد صحیفه امام خمینی (ره) به عنوان میراث مکتوب آن امام راحل می‌باشد که سعی شده است خوانندگان را به اختصار، با رهنمودهای ایشان آشنا سازد.

انحطاط انسانیت در غرب

تربیت غرب، انسان را از انسانیت خودش خلع کرده؛ به جای او یک حیوان آدمکش گذاشته است! الآن شما در هر جای دنیا که ملاحظه می‌کنید، الآن هم که یک آرامشی فرض کنید در دنیا هست و جنگ‌های عمومی نیست، در هر مملکتی که می‌بینید، با دخالت همین آمریکا و در بسیاری از جاها، لبنان هم آدمکشی است، به دخالت آمریکا. غرب حیوان بار می‌آورد. آن هم نه حیوان آرام، یک حیوان وحشی! آدمکش! آدمخوار! پیشرفت، پیشرفت انسانی نیست. پیشرفت حیوانی است.

تربیت انسانی نیست. در غرب تربیت حیوانی است. حکومت‌ها را می‌گویم؛ ملت‌ها را نمی‌گویم. حکومت‌ها و پرورش‌هایی که در حکومت‌ها هست، حکومت‌های انسانی نیست. غرب پیشرفت کرده، پیشرفت کرده در این‌که حیوان تربیت کرده! آلات قتاله درست کرده... حیوان درنده دارند درست می‌کنند. آلاتی هم که درست می‌کنند، همان چنگ و دندان حیوان درنده است؛ منتها به صدها هزار مرتبه بالاتر... (ج 8، ص 96)

شما گمان نکنید که غربی‌ها پیشرفت کرده‌اند. غربی‌ها در جهات مادی پیشرفت کرده‌اند؛ لکن معنویات ندارند. اسلام و همین‌طور مکتب‌های توحیدی، این‌ها انسان می‌خواهند درست کنند؛ و غرب از این معنی به کلی بر کنار است. غرب مواد طبیعت را کشف کرده است و قوای طبیعت را کشف کرده؛ و آن هم بر ضد انسان این قوا را به کار می‌برد برای هدم انسانیت؛ برای هدم شهرها و ممالک. چنانکه می‌بینید که هر یک از این کشورها که به اصطلاح پیشرفته‌تر هستند، بیشتر انسان‌ها را در فشار قرار می‌دهند! ما [به] یک مملکت #171؛ پیشرفته & raquo؛ به اصطلاح خودشان، که عبارت از آمریکاست، گرفتار بودیم. و الآن هم ممالک بسیار، گرفتار همین مملکت #171؛ پیشرفته & raquo؛ هستند. (ج 8، ص 108)

سراب شعارهای غربی (دموکراسی، حقوق بشر، آزادی)

... دموکراسی غربی‌اش فاسد است، شرقی‌اش هم فاسد است؛ #171؛ دموکراسی اسلامی & raquo؛ صحیح است و ما بعدها اگر توفیق پیدا کنیم، به شرق و غرب اثبات می‌کنیم که این دموکراسی که ما داریم، این دموکراسی است، نه آنکه شما دارید و طرفدار سرمایه‌دارهای بزرگ هستید و نه این‌که آنها دارند و طرفدارهای ابرقدرت هستند و همه مردم را در اختناق عظیم گذاشتند ... (ج 6، ص 460)

ملاحظه کنید چیزهایی که در غرب است، چیزهای خوبی که در غرب است، ملاحظه کنید جمعیت حقوق بشر که در غرب است، ببینید چه اشخاصی هستند و چه مقاصدی دارند. اینها حقوق بشر را می‌خواهند ملاحظه کنند، یا حقوق ابرقدرت‌ها را؟ اینها دنبال ابرقدرت‌ها هستند و حقوق ابرقدرت‌ها را می‌خواهند تأمین کنند. شما ای حقوقدان‌های ما! ای جمعیت حقوق بشر! دنباله این حقوقدان‌ها نروید.

(ج 8، ص 56)

خیلی جالب و شگفت‌انگیز است که این به ظاهر متمدن‌ن و متفکرین [غرب] وقتی یک نویسنده مزدور با نیش قلم زهرآگین خود احساسات بیش از یک میلیارد انسان و مسلمان را جریحه‌دار می‌کند، عده‌ای در رابطه با آن شهید می‌شوند، برایشان مهم نیست و این فاجعه عین دموکراسی و تمدن است؛ اما وقتی بحث اجرای حکم و عدالت به میان می‌آید، نوحه رأفت و انسان‌دوستی سر می‌دهند. (اشاره به حکم و جوب قتل سلمان رشدی مرتد و ناشرین کتاب ضداخلاقی و ضددینی او.)

ما کینه دنیای غرب را با جهان اسلام و فقاقت از همین نکته‌ها به دست می‌آوریم. قضیه آنان قضیه دفاع از یک فرد نیست، قضیه حمایت از جریان ضد اسلامی و ضد ارزشی است که بنگاه‌های صهیونیستی و انگلیس و آمریکا به راه انداخته‌اند و با حماقت و عجله، خود را روبه‌روی همه جهان اسلام قرار داده‌اند. (ج 21، ص 290) راستی چرا دنیا در برابر کسی که اجازه ندهد تا دختران مسلمان به دلخواه خود با پوشش اسلامی در دانشگاه‌ها درس بخوانند یا تدریس کنند، ساکت نشسته است؟

جز این است که تفسیر و تأویل آزادی و استفاده از آن در اختیار کسانی است که با اساس آزادی مقدس مخالفند؟ (ج 21، ص 328) آزادی که غرب می‌خواهد، یک آزادی بی‌بندوبار است: هر که هر کاری دلش بخواهد می‌کند. یک آزادی است که مخالف با اخلاق است؛ مخالف با سنن انسانی است؛ نه یک آزادی محدودی که روی قواعد و روی چهارچوب قوانین باشد. (ج 8، ص 97)

چو دزدی با چراغ آید...

فلاسفه غرب الآن هم محتاج به این هستند که از فلاسفه شرق یاد بگیرند. کتاب‌های ابوعلی الآن هم، من گمان می‌کنم تا چند وقت پیش از این و الآن هم همین طور، مورد استفاده اطبای غرب است. قانون بوعلی رسماً تدریس می‌شده آنجا؛ استفاده از آن می‌شده. لکن این تحفه شرقی رفته غرب، غرب از آن استفاده کرد و ما خودمان گم کرده‌ایم خودمان را، بوعلی را نمی‌شناسیم. این برای این است که از آن وقتی که اینها راه پیدا کردند به ممالک شرق که این شاید سابقه‌اش حدود سیصد سال یا همچو چیزی باشد- درست من نمی‌دانم، لکن طولانی است- در همه چیز شرق مطالعه کردند.

اشخاص متخصص از خارج آمد، از غرب آمد و همه جای ایران را و همه جای شرق را گردش کردند و بررسی کردند. در تاریخ هست، در همین تاریخ‌های آخری، که با شتر می‌رفتند این بیابان‌های ما را، همان بیابان‌های بی‌آب و علف هم می‌رفتند، با شتر می‌رفتند و آنجا بررسی می‌کردند. یک قسم از بررسی‌ها مال این بود که بفهمند چه دارد شرق. نفت را، کبریت را، هر چه که دارد، مس، آهن، این ذخایر زیرزمینی را بفهمند چه دارد و باید به چه راه اینها را به دست آورد، آنها کشف می‌کردند... (ج 9، ص 392)

غرب حيله‌اندیش، در کمین ماست

تمام تبلیغات برای به دست آوردن قدرت است. تبلیغات شرق و تبلیغات غرب تمامش آلوده به آن هواهای نفسانی است که انسان هرگز سیر نمی‌شود از آن هواها. با الفاظ خوب، با گفتار خیلی شیرین، مردم را اغفال می‌کنند. [از] خود مردم استفاده می‌کنند و مردم را به قیادت خودشان [به اسارت] در می‌آورند و از مردم استفاده قدرت برای خودشان می‌کنند. (ج 14، ص 53) واقعیت این است که دول استکباری شرق و غرب و خصوصاً آمریکا و شوروی، عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده‌اند.

در بخش آزاد جهان، این ابرقدرت‌ها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملت‌ها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین‌المللی می‌دانند، اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده‌اند، هیچ حق حیات و اظهارنظری وجود ندارد؛ همه قوانین و مقررات و فرمول‌ها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظام‌های دست‌نشانگان و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود.

و متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها جرم و گناهی نابخشودنی می‌دانند و منافع جهانخواران ایجاب می‌کند که هیچ کس حق گفتن کلمه‌ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند، ندارد. (ج 21، ص 79)

مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرتان چپ‌الگر بین‌المللی هستند، با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه و با دست افراد خود ملتها، کشورها را به دام استثمار می‌کشاند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی، به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید. خدایتان یار و نگهدار باشد. (ج 21، ص 420)

تهاجم فرهنگی

ما پیشرفت‌های دنیای غرب را می‌پذیریم، ولی فساد غرب را که خود آنان از آن ناله می‌کنند، نه. (ج 4، ص 508) حجاب به معنای متداول میان ما، که اسمش حجاب اسلامی است، با آزادی مخالفتی ندارد؛ اسلام با آنچه خلاف عفت است مخالفت دارد و ما آنان را دعوت می‌کنیم که به حجاب اسلامی رو آورند و زنان شجاع ما دیگر از بلاهایی که غرب به عنوان تمدن به سرشان آورده است، به ستوه آمده‌اند و به اسلام پناهنده شده‌اند. (ج 5، ص 541)

غرب ما را خوار کرد؛ غرب روحیات ما را از بین برد. ما را غریزه کردند؛ ما این غریزدگی را می‌زداییم. ما با ملت ایران، با همراهی ملت ایران، با پشتیبانی ملت ایران، تمام آثار غرب را- تمام آثار فاسده، نه آثاری که تمدن است- تمام اخلاق فاسده غربی را، تمام نعمات باطله غربی را خواهیم زدایید. (ج 6، ص 275) در این صد سال اخیر به ویژه نیمه دوم آن،... افتخار بزرگ فرنگی‌مآب بودن در تمام شئون زندگی؛ از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن به ویژه در خانم‌های مرفه یا نیمه مرفه بود و در آداب معاشرت و کیفیت حرف زدن و به کار بردن لغات غربی در گفتار و نوشتار به صورتی بود که فهم آن برای بیشتر مردم غیرممکن و برای همدریفان نیز مشکل می‌نمود!

فیلم‌های تلویزیون از فرآورده‌های غرب یا شرق بود که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید و دانش منحرف و به سوی بی‌خبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی و بدگمانی به همه چیز خود و کشور خود، حتی فرهنگ و ادب و مآثر پر ارزشی که بسیاری از آن با دست خیانتکار سوجدجویان، به کتابخانه‌ها و موزه‌های غرب و شرق منتقل گردیده است.

مجله‌ها با مقاله‌ها و عکس‌های افتضاح بار و اُسفانگیز و روزنامه‌ها با مسابقات در مقالات ضدفرهنگی خویش و ضداسلامی، با افتخار، مردم به ویژه طبقه جوان مؤثر را به سوی غرب یا شرق هدایت می‌کردند. اضافه کنید بر آن تبلیغ دامنه‌دار در ترویج مراکز فساد و عشرتکده‌ها و مراکز قمار و لاتار و مغازه‌های فروش کالاهای تجملاتی و اسباب آرایش و بازی‌ها و مشروبات الکلی به ویژه آنچه از غرب وارد می‌شد و در مقابل صدور نفت و گاز و مخازن دیگر، عروسک‌ها و اسباب بازی‌ها و کالاهای تجملی وارد می‌شد و صدها چیزهایی که امثال من از آنها بی‌اطلاع هستیم. (ج 21، ص 434)

خودباختگی و وابسته شدن به غرب

این معنا به این زودی از توی مغزهایی که شست‌وشو شده است، چهل- پنجاه سال، بیست- سی سال و به جای مغز ایرانی مغز اروپایی آمده است، به جای فکر ایرانی فکر غربی جانشین آن شده است- این- به این زودی نمی‌شود رفعش کرد. این محتاج به یک طول مدتی است که فرهنگ یک فرهنگ مستقل؛ نه یک فرهنگ استعماری که آنها برای ما دیکته کردند. آنها برای ما دیکته کردند. فرهنگ ما را طوری کردند که ما همه چیزمان الآن عوض شده؛ غربی شده، وقتی هم حرف می‌زنیم، حرفمان غربی است.

وقتی اسم خیابان می‌گذاریم، اسم خیابان‌های غرب را می‌گذاریم؛ اسم اشخاص غربی را می‌گذاریم: خیابان #171; روزولت؛ خیابان #171; کندی؛ خیابان #171; کذا. اینها غریزدگی است. در تمام اروپا بگردید یک خیابان #171; محمد رضا؛ پیدا نمی‌کنید؛ یک خیابان #171; نادر؛ پیدا نمی‌کنید. خیابان‌هایمان هم خیابان غربی است! تعارف‌هایمان هم با هم تعارف غربی است. آداب و معاشرت‌مان هم با هم، معاشرت غربی است. همه چیز. ما یک وابستگی روحی پیدا کردیم. این وابستگی روحی از همه چیزها برای ما بدتر است... (ج 8، ص 25)

ما باید سال‌های طولانی زحمت و مشقت بکشیم تا از فطرت ثانی خود متحول شویم و خود را بیابیم و روی پای خویش بایستیم و مستقل گردیم و دیگر احتیاجی به شرق و غرب نداشته باشیم و باید از همان بچه‌ها شروع کنیم و تنها مقصدمان تحول انسان غربی، به انسانی اسلامی باشد. اگر این مهم را انجام دادیم، مطمئن باشید که هیچ کس و هیچ قدرتی نمی‌تواند به ما ضربه بزند؛ اگر ما از نظر فکری مستقل باشیم. (ج 15، ص 309) اگر دانشگاه در خدمت غرب واقع بشود، کشور در خدمت غرب است. (ج 15، ص 430)

تهیه و تنظیم: محمدعلی روزبهانی

منبع: ماهنامه فرهنگ پویا شماره 10